

# زنان و مشارکت سیاسی در انقلاب اسلامی

راحله دهقان پور فراشاه<sup>۱</sup>



## چکیده

در این مقاله در ابتدا، با تعریفی اجمالی از مشارکت سیاسی و با ذکر مصادیقی از آیات قرآن کریم و سیره معصومین علیهم السلام سعی شده است دیدگاه اصیل اسلام پیرامون مشارکت سیاسی زنان مطرح گردد و از رهگذر آن تحلیلی روشنگرانه از مشارکت زن مسلمان ایرانی در عرصه‌های سیاسی کشور پس از انقلاب اسلامی، در سه زمینه فرایند انقلاب اسلامی، دوران دفاع مقدس و همه‌پرسی‌ها و انتخابات ارائه گردد. در ادامه، موانع موجود بر سر راه مشارکت زنان در عرصه سیاسی به اختصار بیان گردیده و در پایان سعی شده است تا راهبردهای لازم برای رفع موانع موجود و برون‌رفت از وضعیت فعلی ارائه گردد.

**واژه‌های کلیدی:** مشارکت سیاسی، زنان، انقلاب اسلامی، مناصب عالی سیاسی

## ۱. مقدمه

یکی از ویژگی‌های گفتمان انقلاب اسلامی این است که به نفی و نقد گفتمان‌های موجود در جامعه زنان پرداخته، که در این میان گفتمان سنتی و گفتمان شبه‌مدرن اهمیت ویژه‌ای داشته است. در نگاه سنتی، برتری و تفوق توانایی‌های مرد بر زن و

---

۱. کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای - خاورمیانه، مؤسسه مطالعات راهبردی و آینده‌پژوهی تابان، r.farashah@gmail.com

ناتوانایی‌های زن به‌عنوان اموری طبیعی و مبتنی بر نظام آفرینش معرفی می‌شود و به تفسیری مضیق دربارهٔ حقوق اعطایی به زنان پرداخته و حضور اجتماعی زن نیز بسیار محدود و کنترل شده مطرح می‌شود. گفتمان انقلاب اسلامی به نقد جایگاه زنان در این گفتمان پرداخته و این مسئله را طرح کرد که تفاوت زن و مرد در نظام طبیعی هرگز به منزلهٔ نابرابری ذاتی در بعد انسانیت نیست. گفتمان شبه‌مدرنیسم نیز که با تأکید بر اندیشهٔ برابری براساس رد نظام طبیعی مبتنی بر تفاوت ساختار زن و مرد استوار بود، از سوی گفتمان انقلاب مورد نقد قرار گرفت. در این میان، ایجاد تردید در مبانی اندیشه‌های فمینیستی و برجسته کردن نقاط ضعف این الگو در خصوص مباحث مربوط به زنان از جمله ابزاری بود که برای بی‌اعتبار کردن این گفتمان به کار برده شد.

انقلاب اسلامی ارائه‌دهندهٔ الگوی سومی در نحوهٔ نگرش به جایگاه زنان بوده است که در آن بر دو رکن برابری انسانی زنان با مردان از یک‌سو و از سوی دیگر، وجود تفاوت‌های طبیعی میان آن دو تأکید می‌شود. در سایهٔ ارائهٔ چنین الگویی می‌توان این مسئله را مطرح کرد که انقلاب اسلامی با بازنگری نگاه به زن، زمینه را برای حضور وی در عرصه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... فراهم کرد. اما آنچه در این مجال از مجموعهٔ عرصه‌های فوق و به‌عنوان مثال به آن خواهیم پرداخت بررسی وضعیت مشارکت سیاسی زنان در انقلاب اسلامی خواهد بود.

## ۲. مشارکت سیاسی زنان براساس قرآن و سیرهٔ معصومین علیهم السلام

رواج مفهوم مشارکت سیاسی که از مفاهیم کلیدی در حوزهٔ سیاست به‌شمار می‌آید، به پس از فروپاشی حاکمیت نظام کلیسایی و تولد نظریهٔ قرارداد اجتماعی و تأکید متفکران عصر روشنگری بر دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود باز می‌گردد. مایرون وینر، مشارکت سیاسی را هر عمل داوطلبانه برای تأثیر بر انتخاب رهبران، سیاست و ادارهٔ عمومی در هر سطحی از حکومت ملی یا محلی می‌داند (قوام، ۱۳۷۶). رأی دادن، به دست آوردن اطلاعات سیاسی، بحث در مورد موضوعات سیاسی، شرکت در محافل و گفت‌وگوهای سیاسی، عضویت در احزاب، تبلیغ سیاسی و شرکت در رقابت‌های سیاسی برای انتخاب کردن و انتخاب شدن را، از سطوح مشارکت سیاسی دانسته‌اند. در این نگاه، مشارکت سیاسی متضمن اقدام آگاهانه، داوطلبانه و هماهنگ است (محمدی اصل،



۱۳۸۱، ص ۱۸-۱۹)، اما مشارکت سیاسی با قید اسلامی به لحاظ انگیزه، هدف، روش و شاخص‌ها با این تعاریف تفاوت‌های عمده‌ای دارد.

مشارکت سیاسی با قید اسلامی را می‌توان شرکت مسئولانه، آگاهانه و حتی الامکان هماهنگ فردی یا گروهی با هدف اصلاح و اقتدار حکومت اسلامی، تقویت پیوند میان امت و حکومت اسلامی در بُعد ملی و غلبه امت اسلامی در بُعد بین‌المللی و تحدید قدرت در حکومت‌های غیر اسلامی برای به‌دست آوردن آزادی و افزایش اقتدار مسلمانان با به‌کارگیری روش‌های مشروع تعریف کرد. انگیزه در انجام مشارکت سیاسی در اسلام احساس مسئولیت در برابر خداوند، خود و جامعه است و با چنین تعریفی، مشارکت سیاسی فراتر از حق، یک تکلیف محسوب می‌شود که بر عهده تمام مسلمانان اعم از زن و مرد گذاشته شده است و طبعاً هرگونه حرکتی که مقدمه انجام بهینه این رسالت باشد، مانند تشکیل حزب، انجمن یا شرکت در آنها و... امری لازم و بایسته است (حسینی، ۱۳۸۰).

در این میان، شارع مقدس زن را در قبال حوادث جامعه بی‌تفاوت قرار نداده است و توصیه‌های کتاب و سنت در این زمینه، مرد و زن (هر دو) را شامل می‌شود.<sup>۱</sup> یکی از شواهد قرآنی بر جواز حضور زن در اجتماع و عرصه سیاست آیات سوره مبارکه نمل<sup>۲</sup> در خصوص ملکه سبا است که مهم‌ترین پیام آن معرفی یک زن خردمند است که تحت تأثیر عاطفه‌اش قرار نمی‌گیرد و به‌خوبی حکومت می‌کند؛ زنی مدبر، فرمانروا و اهل مشورت که هیچ‌گونه مذمتی از سوی خداوند درباره‌اش وارد نشده است (جوادی آملی، ۱۳۷۲) و این درحالی است که اگر زن صلاحیت چنین کار و مسئولیتی را نمی‌داشت یا در آئین و شریعت الهی نمی‌توانست به چنان موقعیتی برسد، بنابر روش قرآن کریم که موارد باطل و ناسازگار با دیدگاه خود را نقد می‌کند، باید به صورت صریح یا اشاره بدان می‌پرداخت.

در آیه ۱۲ سوره ممتحنه نیز بر تبعیت از حکومت، که از جمله حقوق انتخاباتی و بارزترین فعل سیاسی در جامعه است برای بانوان تأکید شده است. علاوه بر این، سیره رسول خدا و ائمه اطهار علیهم السلام نیز، در برهه‌های گوناگون ناظر بر این مطلب است و مشارکت سیاسی زنان را مورد تأیید قرار می‌دهد.

۱. برای نمونه در آیه ۷۱ سوره مبارکه توبه فرموده است: (والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف وینهون عن المنکر و یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و یتطیعون الله و رسوله اولئک سیرحهم الله ان الله عزیز حکیم).

۲. آیات ۲۳-۴۴.



با بررسی عملکرد و اظهارنظر سیاسی در مواضع گوناگون درخواستیم یافت. زن مسلمان از دایره فعالیت سیاسی غایب نبوده است. آنچه به‌عنوان عنصر بارز فعالیت سیاسی زنان صدر اسلام در تاریخ مشاهده می‌شود مانند فعالیت سیاسی حضرت فاطمه زهرا (س) چه در قالب مراجعه به منزل اصحاب و درخواست بیعت برای امیر مؤمنان (ع) و چه در شکل ایراد خطابه سیاسی در مسجد پیامبر (ص) و...، تبلیغات سیاسی زینب کبری (س) و ام‌کلثوم (س) در مجلس ابن زیاد و یزید، حضور زنان در صحنه‌های جهاد (گاه به صورت مستقیم و گاهی هم در تدارکات و پشتیبانی)، هجرت ایشان در جهت حفظ دین (هجرت از مکه به حبشه و از مکه به مدینه)، بیعت با رسول گرامی اسلام (در عقبه اول و دوم، جریان صلح حدیبیه و فتح مکه) و حضرت علی (ع) (در غدیر) و سایر ائمه معصومین علیهم السلام، حضور در عرصه‌های اطلاعاتی<sup>۱</sup>، دفاع از ولایت و اعتراض به حاکمان وقت، مورد تأیید رسول خدا (ص) و ائمه اطهار علیهم السلام واقع شده است و این تأیید را می‌توان اصل جواز حضور زنان در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و... در جامعه اسلامی دانست.

اما آنچه به‌عنوان نکته ضروری باید به آن توجه کرد، آن است که طبیعت قضایای سیاسی و شیوه‌های فعالیت سیاسی آن عصر با شکل و شیوه‌های فعالیت‌های بانوان در جامعه امروزی بسیار تفاوت دارد و اگر ذکر مصادیقی خاص از حضور زنان در صحنه‌های سیاسی صدر اسلام با توجه به تحولات زمانی و مکانی و ملاحظه عرصه‌های جدید از مبارزه سخت و نرم تحلیل نشود، خطر جمود و در نتیجه، بی‌توجهی به ظرفیت‌های نوین تأثیرگذاری زنان را به دنبال خواهد داشت.

### ۳. مشارکت سیاسی زنان در ایران

مشارکت سیاسی زنان در ایران را می‌توان در چند زمینه تحلیل کرد:

#### ۳-۱. مشارکت در فرایند انقلاب اسلامی

حضور زنان در روند انقلاب اسلامی به گونه‌ای بود که گاه انقلاب از سوی ناظران و

۱. برای نمونه، همسر هشتم بن اسود، در جنگ صفین از زنان اطلاعاتی امام علی (ع) در لشکر معاویه بود که اخبار لشکر او را به امام می‌رساند. ام سلمه از همسران پیامبر اکرم (ص) نیز هنگامی که از توطئه عایشه برای جنگ بر ضد امام علی (ع) آگاه شد، از طریق نامه‌ای برای حضرت مسائل را برای ایشان افشا نمود.



## ۱۹۱ ► زنان و مشارکت سیاسی در انقلاب اسلامی

تحلیل‌گران بین‌المللی «انقلاب چادرها» لقب گرفت (کریمی تبار، ۱۳۸۴-۱۳۸۵). زنان، حضور در صحنه را وظیفه و تکلیف شرعی و الهی خود دانسته و در دفاع از دین و ولی فقیه زمان از هیچ کوششی فروگذار نکردند؛ حضور زنان در انقلاب در قالب تظاهرات ضد حکومتی، ترغیب خانواده در جهت فعالیت‌های انقلابی، گردآوری و پخش اخبار، توزیع اعلامیه‌ها، پناه دادن به مبارزان و رزمندگان انقلابی مورد حمله، سنگساری در برابر دشمن و گاهی حتی دست گرفتن اسلحه به‌عنوان اعضای جنبش چریکی صورت گرفت.

حضرت امام خمینی (ره)، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران نیز، نه‌تنها مشارکت زنان را واجب و لازم شمردند؛ بلکه حتی موافقت پدر یا همسر را برای حضور در صحنه لازم ندانستند و پیرامون حضور سیاسی زنان معتقد بودند مشارکت سیاسی نه‌تنها حق زن، بلکه تکلیف اوست. «خانم‌ها حق دارند در سیاست دخالت کنند، تکلیفشان این است» (امام خمینی، ۱۳۷۴، ص ۶۷). «زن‌ها باید در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی هم‌دوش مردها باشند» (امام خمینی، ۱۳۷۴، ص ۷۶).

### ۳-۲. مشارکت در دوران دفاع مقدس

حضور زنان در هشت سال دفاع مقدس نیز با شرکت در بسیج نظامی و اجتماعی، شرکت در ستاد پشتیبانی جنگ، حضور فعال در امدادسانی و کمک به مجروحان، تهیه و بسته‌بندی مواد غذایی و وسایل مورد نیاز، حمایت‌های معنوی از مردان و رزمندگان اعزام شده به جنگ، تشویق و تهییج رزمندگان، مهاجرت از مناطق جنگی و تجربه دیگر محیط‌های اجتماعی ظهور و بروز یافت.

### ۳-۳. مشارکت در همه‌پرسی‌ها و انتخابات

حضور در عرصه انتخابات نیز از دیگر جنبه‌های مشارکت سیاسی محسوب می‌شود که در این عرصه نیز زنان هم به‌عنوان انتخاب‌کننده و هم به‌عنوان نیروی کارآمد در فعالیت‌های اجرایی انتخابات، حضور گسترده و فزاینده‌ای داشته‌اند. با توجه به موارد ذکر شده فعالیت زنان در سطوح پایین مشارکت سیاسی به روشنی قابل مشاهده است؛ اما در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری با نوعی کندی روبه‌رو می‌باشیم. زنان به‌رغم نقش فعال و سازنده در مراحل مختلف شکل‌گیری و نهادینه شدن،



استمرار و تحکیم مبانی انقلاب و همچنین انتقال فرهنگ انقلاب به نسل‌های بعد از خود، آنچنان که شایسته و بایسته است از جایگاهی متناسب و هم‌خوان با نقش‌شان برخوردار نشده‌اند و در مواضع تصمیم‌گیری و قدرت حضوری کم‌رنگ دارند. حضور زنان در هیئت دولت، مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه، نیروهای مسلح، نیروهای امنیتی، وزارت امور خارجه و مراکزی که در سیاست‌گذاری نقش مؤثری دارند بسیار اندک است؛ درحالی‌که بر طبق قانون اساسی هیچ منعی برای ورود زنان به عالی‌ترین مقام‌های سیاسی وجود ندارد. البته طرح این مسئله و تأکید بر حضور در این مناصب به این دلیل است که معتقدیم مشارکت سیاسی و حضور آنان در عرصه‌های تصمیم‌گیری و حکومتی کشور می‌تواند پشتوانه‌هایی برای عرصه‌های دیگر فعالیت زنان باشد و حضور زنان در این عرصه به اتخاذ تصمیمات بهتری برای بهبود وضعیت آنان می‌انجامد و طرح مسائل زنان توسط خودشان، می‌تواند به حل مشکلات کمک شایانی کند و قطعاً این شکل از مشارکت با حضور و ظهور گاه و بی‌گاه آنان جهت تأیید سیاست‌های وضع شده متفاوت خواهد بود.

زنان ایرانی برای حضور در مراحل مختلف برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌های راهبردی و کلان ملی با موانع جدی روبه‌رو هستند، به گونه‌ای که می‌توان گفت اهداف انقلاب اسلامی در مورد نقش و جایگاه واقعی زنان در مدیریت کلان جامعه، جهت تلاش برای بهبود وضعیت زنان و خانواده و احقاق حقوق زنان براساس مبانی دینی هنوز تحقق نیافته است و جامعه‌ای که نتواند از نیروی بالقوه و توانمند خود در عرصه عمومی استفاده کند، نمی‌تواند شالوده تمدن اسلامی را پایه‌ریزی کند.

هم‌اکنون تنها در حدود ۲/۵ (دو و نیم) درصد از نمایندگان مجلس، ۳ درصد از مدیران عالی و میانی، ۱/۵ (یک و نیم) درصد از اعضای شوراهای شهر و روستا در کل کشور و ۱۲ درصد اعضای شورای کلان‌شهرها از میان زنان انتخاب شده‌اند (رضوی الهاشم، ۱۳۸۹). با این توصیفات، بر سیاست‌مداران است تا راه را برای این مهم، نه‌تنها به‌عنوان حق، بلکه به‌عنوان وظیفه باز نمایند؛ زیرا به تعبیر حضرت امام خمینی (ره)، «زنان باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت کنند» (امام خمینی، ۱۳۷۴، ص ۶۷).

#### ۴. موانع مشارکت سیاسی زنان

موانع مشارکت سیاسی زنان را می‌توان در عوامل گوناگون ذهنی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جست‌وجو کرد (امیر اسفرجانی، ۱۳۸۵) که به اختصار به آنها اشاره می‌کنیم.



## ۱۹۳ ► زنان و مشارکت سیاسی در انقلاب اسلامی

- عدم اعتماد به نفس، روحیه انفعال و ترس از اظهارنظر در مجامع عمومی در میان زنان که به نظر می‌رسد این روحیه ناشی از نوع تربیتی است که از سوی خانواده و جامعه اعمال گردیده است (ندری ابیانه، ۱۳۸۴، ۱۰۲).
- تعداد قابل توجهی از زنان و دختران حوزه سیاست را متعلق به خود نمی‌دانند و به سودمندی مشارکت سیاسی واقف نیستند و برای مشارکت فعالانه سیاسی در سطح نخبگان انگیزه کمی دارند.
- بسیاری از زنان به توانایی‌ها و قابلیت‌های خودشان برای اثرگذاری در جامعه باور ضعیفی دارند.
- ساختار سیاسی ایران پدرسالارانه است و جای کمی برای حضور زنان در این ساختار باز کرده است و در بسیاری از موارد توانمندی زنان را در عرصه مشارکت سیاسی نادیده گرفته و یا کمتر مورد توجه قرار می‌دهد.
- فقدان ابزارهای مناسب در سطح جامعه، به‌عنوان مثال تشکل‌ها و انجمن‌های خودجوش زنانه.
- یکی از موانع اصلی برای حضور زنان در مدیریت سیاسی ذکر این مسئله است که زنان در این زمینه فاقد تجربه‌اند، اما نگاهی دقیق‌تر نشان می‌دهد که در پس این استدلال، سفسطه‌هایی نهفته است؛ زیرا درحالی‌که زنان حتی در سطوح میانی اجرایی به کار گمارده نمی‌شوند، از کجا باید این تجربه مدیریتی را بیاموزند تا بعدها به مدیریت کلان کشور راه یابند؟
- مانع دیگر آن است که استدلال می‌شود زنان از دانش و بینش سیاسی و تخصص قوی برخوردار نیستند؛ در صورتی که باید گفت عرصه‌های اطلاعاتی، مسئولیت‌ها و علمی که این مبانی فکری را شکل داده و به آن عمق می‌بخشد هرگز در اختیار زنان نبوده است و گاهی حتی زنان برای ورود به برخی از رشته‌های دانشگاهی در این زمینه با محدودیت‌های جدی روبه‌رو هستند.
- اعلام تضاد با نقش خانوادگی زنان (مادری و همسری) از دیگر موانع پیش روی زنان برای حضور در مناصب عالی سیاسی (به‌عنوان عالی‌ترین سطح مشارکت سیاسی) است و حال آنکه نگاهی اجمالی به وضعیت زندگی زنانی که امروزه در پست‌های عالی سیاسی قرار دارند خط بطلانی بر این نظریه است؛ زیرا آنان به‌خوبی توانسته‌اند نقش‌های خانوادگی و اجتماعی خود را ایفا کنند و از آنجا که تعداد این مدیران بسیار اندک است، اثبات این موضوع کاملاً امکان‌پذیر است.



با توضیحات ذکر شده به نظر می‌رسد مهم‌ترین مانع بر سر راه کسب مناصب سیاسی، مشکلات فرهنگی است و چنین امری ضرورت مهندسی فرهنگی جهت نهادی شدن فرهنگ مشارکت سیاسی زنان در ایران را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

### ۵. نتیجه‌گیری و ارائه راهبردهای تقویت مشارکت سیاسی زنان

با توجه به تعریفی که از مشارکت سیاسی با قید اسلامی مطرح شد و بررسی آیات قرآن کریم و سیره معصومین علیهم السلام مجوز حضور زنان در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و... در جامعه اسلامی قابل تأیید است، اما با تحلیل مشارکت سیاسی زنان در ایران، این نتیجه حاصل شد که حضور زنان ایرانی در مراحل برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌های راهبردی و کلان ملی جهت اتخاذ تصمیمات بهتر برای بهبود وضعیت زنان در سطح بسیار پائینی قرار دارد و موانع متعددی برای مشارکت سیاسی پیش روی زنان قرار دارد و بنابراین، لازم است تا با اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای اساسی برای حل این موانع گام‌های استواری برداشته شود تا از این طریق، زنان را در مسیری جدید که غایت آن آمادگی جهانی برای حکومت کلان و نظام جهانی مهدی موعود (عج) است به جوش و خروش کشاند.

راهبردهای اساسی برای حل آسیب مطرح شده را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد:

- ارائه الگویی اسلامی از مشارکت سیاسی زنانه و هماهنگ با کارکردهای خانواده.
- تدوین شاخص‌های فرهنگی مشارکت سیاسی زنان براساس آموزه‌های دینی و ارزش‌های اسلامی.
- تلاش برای افزایش آگاهی‌های فردی و اجتماعی نسبت به حقوق، جایگاه و چگونگی مشارکت زنان با هدف تغییر و اصلاح نگرش‌ها و بینش‌ها در جهت شکستن حصارها، موانع و بایدها و نبایدهایی که منشأ شرعی و قانونی ندارند.
- زدودن باورهای غلط و نگاه تک‌بعدی و غیراجتماعی و محترم شمردن حقوق انسانی و اجتماعی زنان به صورت یک فرهنگ عمومی.
- تبیین ضرورت حضور زنان در مناصب عالی سیاسی و بسترسازی جهت حضور زنان در این مناصب.
- ایجاد زمینه‌های لازم جهت ترغیب زنان برای مشارکت در فرایندهای قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری و...





## ۱۹۵ ► زنان و مشارکت سیاسی در انقلاب اسلامی

- مهندسی نسبت درصد کرسی‌های مجلس در اختیار زنان.
- تلاش جهت پرورش و به‌کارگیری استعدادها بالقوه زنان در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... جهت اثبات ظرفیت‌های حقیقت‌جوییشان.
- دسترسی به منابع و امکانات بر پایه برخورداری زنان از مهارت‌ها و دانش هم‌پایه مردان.
- تدوین راهکارهای مناسب جهت تقویت اعتماد به نفس و خودباوری در زنان.
- زمینه‌سازی جهت مشارکت فعال زنان در احزاب، تشکلهای و گروه‌های سیاسی - اجتماعی.
- اختصاص بخشی از مدیریت‌های میانی به زنان به‌عنوان زمینه‌سازی جهت ایجاد فرصت ورود به عرصه تصمیم‌گیری کلان در عرصه سیاسی.
- مهندسی نظام آموزشی در راستای آموزش اصول مشارکت و هم‌یاری زنان در جامعه.
- تدوین راهکارهای مناسب در جهت اصلاح باور عمومی نسبت به توانمندی، مهارت و شایستگی مدیریت و مشارکت سیاسی زنان.
- انعطاف‌پذیری لازم در نظام دیوان‌سالاری کشور برای ایجاد نهادهای گوناگون فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... زنان

### منابع:

۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲). زن در آئینه جمال و جلال. تهران، نشر رجا.
۲. خمینی، روح‌الله. تبیان (دفتر هشتم) (۱۳۷۴). جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره). تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳. رضوی الهاشم، بهزاد (۱۳۸۹). «مهندسی فرهنگی، ضرورت نهادی‌شدن فرهنگ مشارکت سیاسی»، ماهنامه مهندسی فرهنگی، شماره ۳۹ و ۴۰، ص ۲-۲۹.
۴. ندری ابیانه، فرشته (۱۳۸۴). «تفکر شیعی و مشارکت زنان در انتخابات ایران». مجله بانوان شیعه. شماره ۶ و ۷، ص ۹۱-۱۰۶.
۵. قوام، عبدالعلی (۱۳۷۶). سیاست‌های مقایسه‌ای. تهران، سمت.
۶. محمدی اصل، عباس (۱۳۸۱). جنسیت و مشارکت. تهران، روشنفکران و مطالعات زنان.
۷. حسینی، موسی (۱۳۸۰). «دیدگاه قرآن درباره مشارکت سیاسی زنان». مجله پژوهش‌های قرآنی. شماره ۲۵-۲۶، ص ۱۷۱-۱۸۳.
۸. امیر اسفرجانی، زهرا (۱۳۸۵). «مشارکت سیاسی زنان، زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر آن». فرهنگ اصفهان. شماره ۳۱، ص ۸۶-۹۴.
۹. کریمی تبار، مریم (۱۳۸۴-۱۳۸۵). «مشارکت سیاسی زنان مسلمان». فصلنامه بانوان شیعه. شماره ۶ و ۷، ص ۳۷۹-۴۰۰.

